



مرور چند شعر با موضوع شهید ودفاع مقدس، اثر محمد کاظم کاظمی

دیروز بر شانه بردم تابوت هم سنگرم را



نقاشی از دیروزشهرامحمدی خراسانی

محمدکاظم کاظمی، متولد۱۳۴۶و از شاعران تأثیرگذار و مطرح مهاجر است که از نوجوانی در مشهد ساکن است. کاظمی بر شاعران نسل جوان کشور، به ویژه شاعران خراسان، تأثیر بسیار داشت و سال هاست که مسئولیت آموزش و نقد شعر آثار این گروه را عهده دار است. یکی از غزل های معروف محمدکاظم کاظمی باعنوان (مسافر)، درکتاب‌های درسی دانش آموزان دبیرستان چاپ شده‌است.برخی از آثار منتشرشده این شاعر عبارتند از:

«پیاده آمده بودم، «شعر مقاومت افغانستان»، «روزنه»، «ده شاعر انقلاب»، «گزیده ادبیات معاصر»، شمشیر و جغرافیا، ...»

- مسافر**

و آتش چنان سوخت بال و پرت را

که حتی ندیدیم خاکسترت را

به دنبال دفترچه خاطرات

دلم گشت هر گوشه سنگرت را

و پیدا نکردم در آن کنج غربت

به جز آخرین صفحه دفترت را

همان دستمالی که پیچیده بودی

درآن مهر و تسبیح و انگشترت را

همان دستمالی که یک روز بستی

به آن زخم بازوی هم سنگرت را

همان دستمالی که پولک نشان شد

و پوشید اسرار چشم ترت را

سحرگاه رفتن زدی با لطافت

به پیشانی ام بوسه آخرت را

و با غربتی کهنه تنها نهادی

مرا، آخرین پاره پیکرت را

و تا حال می‌سوزم از یاد روزی

که تشییع کردم تن بی‌سرت را

کجا می‌روی؟ ای مسافر! درنگی

ببر با خودت پاره دیگری را

- درخت تناور**

دیروز بر شانه بردم تابوت هم سنگرم را

می‌شویم از حیرت امروز چشمان ناباورم را

باور نمی‌کردم، اما روزی بیاید که باید

از زیر خوراری از خاک پیدا کنم کشورم را

آویختم از درختان نعش کسان را که دیروز

آویخندت از درختان موی سر مادرم را

آه ای درخت تناور! بیمت مبادا، که دیدیم

صد بار کوکید و نشکست این سنگ، بال و پرَم را

آه ای درخت تناور! بر خود ملرز این زمستان

بر شانه‌هایت ببیندز تنها لباس برم را

دیروز اگر شاخه‌هایت یک لحظه خم می‌شد از برف

کی می‌توانستم امروز بالا بگیرم سرم را؟

- از دهان تفنگ**

اگر پسند و اگر ناپسند، می‌گویم

ن گفته بودم و اینک بلند می‌گویم

ن گفته بودم و جنگ است بعد از این سخنم

و از دهان تفنگ است بعد از این سختم

ن گفته بودم و خشکیده سالی آمده بود

و ابر، ابر نبود، آسمان کپک زده بود

ن گفته بودم و دیدم درخت بود و دعا

درشت خوبی ایام سخت بود و دعا

ن گفته بودم و دیدم که در دعای درخت

زبان سرخ درخت‌اند میوه‌های درخت

دعا قبول شد آری، صدای باران بود

و قطره‌ها که ملخ می‌شدند وقت فرود

ن گفته بودم و دیدم که نان دهان را بست

غرور پرواز، درهای آسمان را بست

ن گفته بودم و سیمرغ‌ها شغاد شدند

برادران سر تقسیم حق زیاد شدند

ن گفته بودم و جنگ است آنچه می‌گویم

برای اهل فرنگ است آنچه می‌گویم:

ملخ چکید اگر از آسمان، شما کردید

فرو نشست اگر آتشفشان، شما کردید

درخت و مزرعه را نیمه‌جان شما کردید

و دنده‌های مرا نردبان شما کردید

فرشته‌بودید، آن گونه‌ای که شیطان بود

و مرد، خاصه در آنجا که خوردن آسان بود

برادری به زبان بود، ما ندانستیم

فقط به خاطر نان بود، ما ندانستیم

شعر دفاع مقدس در گفت‌وگو با مصطفی محدثی خراسانی

شعر می‌تواند فضیلت‌های دفاع را شرح دهد



ادامه آن بحث مدافعان حرم، بحث مقاومت اسلامی به سردمداری شهید قاسم سلیمانی، موازنه قدرتی که این حرکت‌ها توانسته در جهان به هم بزند تا امروز ما با نظام سیاسی تازه‌ای در جهان روبه‌رو شویم که متأثر است از این حوزه‌ها، همه و همه مسائلی است که می‌توان به آن پرداخت.

- اوضاع خراسان و مشهد در این میان چگونه است؟**

پس از انجمن ادبی حوزه‌هنری تهران که پایگاه اصلی شاعران انقلاب بود، مشهد و خراسان را می‌توانیم به عنوان دیگر قلب شعر انقلاب و در واقع دومین و دفاع مقدس بود. به عقیده من این ظرفیت‌کماکان در شعر جوان مشهد وجود دارد و برآمدگان آن نشست‌ها می‌توانند امروز این مسیر را ادامه بدهند.



به آن روزگار، بر جای توجه به نفوذ شیطانی دستگاه شر معاویه به خانه امام حسن^(ع) و تشویق همسرا امام به مسموم ساختن آن حضرت، پای امری موهوم و ساختگی را به میان می‌کشند. آن‌ها امام مظلوم را قهرمان طلاق معرفی می‌کنند و باتکیه به پروپاگاندای دستگاه نامشروع خلافت، روایت‌هایی جعلی را مطرح می‌کنند و حتی برخی دیگر که شاید نویسندگانی بی انصاف نباشند، ولسی متأثرند از آن همه خبرپراکنی‌های دروغین، صلح ناگزیر امام تنها را نکوهش می‌کنند(همان کاری‌که برخی باران حضرت کردند) و از یاد می‌برند که جنگ نابرابر امتیا و یاران حسین^(ع) با اشقیاء و عمله جور اموی همان سهمی را در حفظ آیین محمد دارد که صلح نجیبانه و مظلومانه حسن^(ع)، قصد نگارنده بازگویی تاریخ نبود، بلکه یادآوری ظرفیت‌هایی بود که داستانی چنین سوگ برانگیز برای روایت به شکل رمان و داستان کوتاه و نمایش‌نامه و فیلم‌نامه دارد. به راستی کدام قهرمان تراژیک‌ترین آثار ادبی و هنری جهان، والا‌ترین شخصیت روزگار بود، اما اسیر شنیع‌ترین تهمت‌ها شد؟ کدام‌یک فرزند پاک‌ترین انسان‌ها بود، اما از شر همسری آلوده به وسوسه‌های شیطانی ظالمان در امان نماند؟ کدام‌یک هنوز که هنوز است به تهمت و زهر روایت‌های جعلی و وارونه‌گفتار است؟

***در نگارش این مطلب، افزون بر اینترنت از منابعی مانند «فرهنگ اندیشه انتقادی، از روشنگری تا پسامدرنیته، ویراسته مایکل پین، ترجمه پیام یزدانجو، نشر مرکز و «فرهنگ اصطلاحات ادبی، تألیف سیما داد، انتشارات مروارید، بهره برده شده‌است.**

یکی از قالب‌هایی که بیشتر به چشم می‌آمد، خصوصا هم زمان با جنگ، مثنوی بود، البته متفاوت با شکل سنتی آن، یعنی گریز از شکل داستان سرایی و در شعر شاعرانی مانند قیصر امین‌پور، ساعد باقری، محمود شاهرخی و سپیده کاشانی، در شعر پس از جنگ باید در پی تفاوت معنایی و زبانی شعر باشیم. چنان که در همین مثنوی سروده‌ها، کسانی مانند حسن حسینی و علیرضا قزوه به آرایه‌های ادبی روی آوردند. سید حسن حسینی: از آن‌که خورشید فریادشان/دمید از گلو ی سحر زادشان/ غبار تغافل ز جان‌ها زدود/ هشیواری عشق‌بازان فرزد. هرچه از سال‌های جنگ دور شدیم، قالب‌هایی چون رباعی و غزل و شعر آزاد بیشتر میدان‌داری کرد و امروز سرمایه عظیمی از شعر دفاع مقدس آفرید، سرمایه‌ای که در شعر پس از جنگ گاه با درون‌مایه‌هایی از انتقاد نیز همراه است. انتقاد از اینکه مسیری که شهدا هموار کردند نباید خدشه‌دار شود و به دنیاداری سوق یابد.

در شعرمان توجه‌کنیم و آن تعریف معمول و همیشگی از شعر دفاع مقدس را کنار بگذاریم، مثل بیان تاریخ دفاع مقدس یا داشتن یک نگاه صرفا نوستالژیک به این موضوع یا مرتب حسرت آن روزها را خوردن!

بسیاری از شعرهای دفاع مقدس فقط به همین موضوع‌ها می‌پردازند. سعی ما باید بر این باشد که چنین نگاه‌های تکراری را متحول کنیم و روی جنبه‌های دیگر و کمتر شناخته شده این اتفاق تمرکز کنیم.

- این ابعاد کمتر شناخته شده کدام‌هستند؟**

دفاع مقدس تأثیر زیادی بر جهان امروز بر جای گذاشته است، بر جریان مقاومت در سراسر جهان، در

به شعر فارسی هدیه‌کند. علاوه بر این، درآمیختن شعر دفاع مقدس و شعر آیینی، به‌ویژه شعر عاشورایی نیز توانست جلوه‌های درخشان دیگری به شعر فارسی اضافه کند.

- با این حساب آیا می‌توانیم بگوییم شعر تا حدودی توانسته است حق‌مطلب را ادا کند؟**

بهتر است بگوییم شعر دفاع مقدس هنوز بسیار جای کار دارد، به گونه‌ای که تا قرن‌ها در زمان فراروی ما می‌شود به آن پرداخت، اما اینجا یک نکته وجود دارد، مهم است که این پرداخت خارج از کلیشه‌های معمول خود باشد.

ما باید به حوزه‌های مفهومی تازه‌ای از دفاع مقدس

● **تقابل یا همزیستی مفهومی** به نام دفاع مقدس با هنر یا اسبابی به نام شعر، در همه این‌سال‌ها چگونه بوده است؟ من گمان می‌کنم در میان همه هنرها، شعر توانسته رسالت خود را در قبال دفاع مقدس انجام دهد. به این معنا که هم شعر توانسته در خدمت دفاع مقدس باشد و هم دفاع مقدس توانسته شعر ما را متحول کند و ابعاد ارزشمندی به آن بیفزاید.

- چه ابعاد؟**

ابعاد و فضیلت‌هایی که اگرچه در تاریخ شعر فارسی وجود داشته است، اما شعر دفاع مقدس همه آن‌ها را به‌صورت یکجا در کنار یکدیگر جمع کرده است. در واقع، شعر دفاع مقدس به‌نوعی فراخوان

ارجمندی‌ها، توانمندی‌ها و فضیلت‌های شعر فارسی است که با درآمیختن نو، جلوه شکوهمندی به شعر ما داده است. به‌عنوان مثال درآمیختن حماسه و عشق و عرفان، در گذشته شعر فارسی نیز وجود داشته، اما کنار هم نشستن آن‌ها به شیوه‌ای مطلوب توانست در شعر دفاع مقدس رقم بخورد و وجهه ارزشمندی را

نزول تراژیک بلا بر انسان والا

نگاهی به ظرفیت‌های روایی زندگانی امام دوم شیعیان

وحید حسینی ایرانی



زندگی امام حسن^(ع) از جذاب‌ترین سوژه‌هایی است که روایت‌نویس (اعم از نویسنده داستان کوتاه و رمان و نمایش‌نامه و فیلم‌نامه) می‌تواند از آن مایه‌هایی ناب و جذاب برای نوشتن بگیرد. آنچه نگارنده مدنظر دارد، صرفاً وجه اعتقادی قضیه نیست و تنها به‌وجه انسانی و اخلاقی آن نیز تکیه نمی‌کند، درواقع مقصودم آمیزه‌ای از ابعاد گوناگون مسئله‌ای تاریخی/اخلاقی است که می‌توان بر پایه آن متون روایی فوق‌العاده‌ای آفرید. به بیان دیگر، می‌خواهم بگویم زندگی امام دوم شیعیان و فرزند پیامبر اسلام و شخصیتی محترم نزد عموم مسلمانان، ظرفیت‌های داستانی قدرتمندی پیش روی نویسنده می‌گذارد. حال این نویسنده هر باوری که می‌خواهد داشته باشد. در این باره، خوب است به تجلی زندگانی حضرت عیسی^(ع) در هنر و ادبیات غرب توجه کنیم. (برای نمونه، به آنچه نیکوس کازانتزاکیس یونانی درباره مسیح نوشت در حالی که این نویسنده شیفته لنین و بودا هم بود!) شاید یکی از برجسته‌ترین قالب‌های روایی که می‌توان آن را برای نوشتن از زندگی امام حسن^(ع) به کار گرفت، قالب «تراژدی» باشد. در تعریف‌هایی که از «تراژدی» ارائه شده، آن را قصه انسان‌هایی بافضیلت و سعادت‌مند و به‌روز دانسته‌اند که دچار سختی و مصیبت می‌شوند. در نگاه اول، برای آن کس که با جایگاه و سیره اهل بیت^(ع) آشناست، قالب نامبرده نامناسب می‌نماید، چرا که در آن به ضعف‌ها و خطاهای قهرمان هم انگشت‌گذاشته می‌شود، اما با درنگ بر این پیشنهاد،

هنوز انقلاب اسلامی به‌درستی پا نگرفته بود که جنگ، معادلات را به‌هم زد و کشور هشت‌سال از اولین سال‌های پس از انقلاب را به نبردی ناخواسته گذراند. این هشت‌سال فرصتی فراهم آورد تا از رهگذر هویت ملی که آمیزه‌ای از هویت دینی و ایرانی است، ادبیاتی با رویکردی متفاوت شکل بگیرد، رویکردی که متأثر از فرهنگ اسلامی و نیز تمدنی کهن بود. فراز و نشیب‌های تاریخی ایران و پیشینه اسطوره‌ای و واقعیت‌های تاریخی ایران که همیشه با موج‌های سهمناک بیگانگان رویارو بوده است، به همراه عنصر زایای «شهادت»، که برگرفته از فرهنگ شیعی است، خود را در این شعر بازتاباند. از این‌رو، بعد از آغاز جنگ تحمیلی، گونه‌ای از شعر به‌نام «شعر دفاع مقدس» پایه‌عرصه وجود گذاشت. این گونهٔ شعری را می‌توان به دو دوره تقسیم کرد: شعر دورهٔ جنگ و شعر دورهٔ بعد از جنگ. البته برخی با اصطلاح شعر جنگ مخالف بودند و فقط شعر دفاع مقدس را برازنده این گونهٔ شعری می‌دانستند و می‌داند. شاید، «شعری برای

شعری برای جنگ

جنگ، از قیصر امین‌پور یکی از نمونه‌های درخشان و ماندگار شعر دوره جنگ باشد که به‌نوعی در پس‌زمینهٔ شعری می‌شود این نگاه را جست: می‌خواستم/ شعری برای جنگ بگویم/ دیدم نمی‌شود/ دیگر قلم‌زبان دلم نیست/ گفتم که بیت ناقص شعرم/ از خانه‌های شهر که بهتر نیست/ بگذار شعر من هم/ چون خانه‌های خاکی مردم/ خرد و خراب باشد و خون آلود. شعر دفاع مقدس در دورهٔ جنگ، شعری سرشار از رجزها و شعارهای انقلابی و حماسی است و به گونه‌ای زبانی چون زبان بیانیه‌های تند سیاسی و انقلابی را داشت. عنصر غالب در این شعرها، احساس است که جوانان را به حضور در جبهه‌ها و دفاع از مرزهای میهن اسلامی تشویق و ترغیب می‌کرد: جنگ، جنگ است، بیا تا تقریباً در همه قالب‌ها سروده شده است که شاید



روزنامه نگار ومدرس ویراستاری امیر هوشنگ

شاعرانی همچون مهدی اخوان ثالث: گرچه می‌یافند بهر شیرها زنجیرها/ بگسلند آخر همه زنجیرها را شیرها/ این دلبران نکو با بد چه جنگی می‌کنند/ همچو جنگ شیرها با تیر و با شمشیرها. به لحاظ قالب نیز شعر دفاع مقدس تقریباً در همه قالب‌ها سروده شده است که شاید